

# راهنمای راهبرد دانشکده جنگ ارتش آمریکا<sup>۱</sup>

(معرفی و خلاصه کتاب خارجی)

علیمردان خدادادی<sup>۲</sup>

## □ اشاره ای بر کتاب:

کتاب راهنمای راهبرد دانشکده جنگ آمریکا، حاوی مطالب نسبتاً جدید به خصوص در زمینه چگونگی سیاست آمریکا در برخورد با حوادث پس از جنگ سرد می باشد. مقالات جمع آوری شده، ماحصل کارهای تحقیقاتی نویسندگانی است که خود در رشته های مورد نظر دارای تجارب و سوابق کاری عملی، و در این زمینه مشغول بوده اند. به همین دلیل، پیشنهاد می شود تا کتاب یاد شده، مورد مطالعه کلیه دانشجویان دانشگاه به ویژه دانشجویان رشته های دفاع و امنیت قرار گیرد. عناصر اصلی تشکیل دهنده کتاب عبارتند از راهبرد، منافع، تهدیدات، چگونگی برنامه ریزی جهت استفاده از قدرت نظامی، منافع ملی، قدرت ملی، امنیت ملی، تعیین خط مشی های دفاعی، درک راهبرد نظامی، ریسک نظامی و هنر نظامی. با نگاهی به عنوان ذکر شده، به آسانی می توان دریافت که مطالعه کتاب مورد نظر می تواند در ارتقاء سطح آگاهی های دانشجویان این دانشکده حائز اهمیت باشد.

پرتال جامع علوم انسانی

۱. U.S Army War Coolage Guide To Strategy

Edited by: Joseph R.Cerami / James F.Holcomb,Jr

282Page, February 2001

۲. کارشناسی ارشد مترجمی زبان

## فصل اول - مقدمه:

برای سالیان متمادی، بخش امنیت ملی و راهبردی دانشکده جنگ ارتش [آمریکا]، مواجه با چالش مربوط به آموزش رهبران راهبردی آینده در زمینه امنیت ملی و یا به عبارتی راهبردی بزرگ بوده است. این چالش پیرامون طراحی دوره ای در زمینه راهبردی بوده که ابعاد بسیاری را در مدت زمانی کوتاه که مجموعاً یک سال بوده و مواد درسی دانشکده را در برداشت، شامل می شد.

جهت تحقق این امر با استفاده از یک تئوری نظری، چارچوبی برای اندیشیدن پیرامون تنظیم راهبرد تدوین گردید.

هدف از کتاب فعلی، ارائه مدل تنظیم شده راهبرد دانشکده جنگ ارتش [آمریکا] برای دانشجویان و متخصصین امر است.

این کتاب به عنوان راهنمای شیوه ای جهت تنظیم، تحلیل و مطالعه راهبرد عمل می کند. یعنی شیوه ای که ما آن را در فراهم آوردن نسل هایی از استراتژیست های دارای ابزارهای نظری که به طور منظم، راهبرد، مهم، خلاق و بزرگ بیاندیشند مفید، می دانیم.

ایجاد موازنه بین آن چه که در فصل های آتی کتاب به عنوان هدف، شیوه ها، و ابزارها مطرح است، اساس نظری دانشکده جنگ ارتش را جهت امنیت ملی، راهبرد نظامی و تنظیم راهبرد فراهم می آورد.

## فصل دوم - کتاب مقدماتی در توسعه راهبرد:

### چارچوب راهبرد:

یکی از عناصر اصلی در آموزش راهبرد در دانشکده جنگ ارتش امریکا، چارچوب راهبرد است.

راهبرد به عنوان رابط بین مقاصد (اهداف)، ابزارها و راه ها (شیوه ها) تلقی می شود. مقاصد، همان اهداف یا آرمان ها می باشند. ابزارها، منابع موجود برای تعقیب اهداف محسوب می شوند و راه ها یا شیوه ها به نحوه ای اطلاق می شود که در آن منابع، سازماندهی و به کار گرفته می شوند.

زمانی که پیرامون راهبردی بحث می‌شود که یک کشور در راستای منافع خویش آن را به کار می‌گیرد، معمولاً از اصطلاحاتی نظیر راهبرد ملی، راهبرد امنیت ملی و یا راهبرد بزرگ استفاده می‌شود.

در این فصل، ما از اصطلاح راهبرد بزرگ برای نشان دادن گسترده‌ترین تئوری کشور جهت تعقیب اهداف ملی خود در نظام بین‌المللی استفاده می‌کنیم. گاهی اوقات که چنین وانمود می‌شود که هر سه اصطلاح ذکر شده در بالا الزاماً مترادف هستند، در واقع ضرورتی ندارد تا زمان برای توصیف آنها صرف گردد.

نکته ضروری این است که یک کشور اهداف را بر مبنای منافع و ارزش‌های خود و نحوه‌ای که این منافع و ارزش‌ها در نظام بین‌المللی تحت تأثیر، تهدید و یا با چالش مواجه می‌شوند، اتخاذ می‌کند. ابزارهایی که یک کشور جهت تعقیب چنان اهدافی به کار می‌گیرد، در سه‌الی چهار طبقه از قدرت ملی تقسیم‌بندی می‌شوند که ما آنها را ابزارهای قدرت ملی می‌نامیم.

این طبقات عبارتند از: سیاسی-دیپلماتیکی، اقتصادی، نظامی، اطلاعاتی.

نحوه‌ای که یک کشور چنین ابزارهایی از قدرت ملی را به کار می‌گیرد "شیوه‌های راهبرد بزرگ" آن کشور محسوب می‌شود.

یکی از اهداف این کتاب، ایجاد چارچوبی است که خواننده می‌تواند از آن برای تجزیه و تحلیل شیوه‌هایی که آمریکا از آنها برای حفاظت و ارتقاء منافع خود پس از جنگ سرد بهره‌برداری نموده، استفاده کند. چنین تحلیلی بایستی با یک ارزیابی از راهبرد بزرگ آغاز شود.

### **فصل سوم - موضوعات اخلاقی در جنگ: یک نظر اجمالی:**

متأسفانه، درگیری‌های خشونت‌آمیز در میان انسان‌ها به عنوان یک امر ثابت همواره در تاریخ وجود داشته است. هر میزان که به عقب برگردیم، گونه‌های انسانی درگیر جنگ و دیگر اشکال خشونت سازماندهی شده بوده‌اند.

اما این واقعیت وجود دارد که بر مبنای ثبت فرهنگ و اندیشه بشر در تاریخ، انسان همواره به اخلاق و موضوعات اخلاقی توجه داشته است.

گرچه فرهنگ‌ها در نحوه تفسیر خود از مرگ و کشتار از جنبه اخلاقی و مذهبی، با یکدیگر تفاوت‌های گسترده‌ای دارند؛ اما تمامی فرهنگ‌های بشری ضرورت زندگی

در سایه اخلاقیات و مذهب را پذیرفته اند. تلاش در جهت هدایت جنگ به سمت محدودیت های اخلاقی با موفقیت کمی روبرو بوده است. زیرا، فرهنگ ها و ارتش های زیادی این محدودیت ها را به رسمیت نشناخته اند و اگر هم شناخته اند، صرفاً به طور لفظی این کار صورت گرفته است. در جهان معاصر، یک نهاد عمده اخلاقی و حقوقی تلاش می نماید تا ملاک هایی که براساس آنها استفاده از خشونت به نام یک دولت یا جامعه صورت می گیرد را ممنوع کند. در همین ارتباط، مکانیسم های کنوانسیون ژنو و لاهه و منشور سازمان ملل متحد، آیین نامه های نظامی نظیر آئین نامه "مقررات جنگ زمینی" ارتش امریکا و نیز اسناد مشابه و دولت ها و ارتش های معاصر تلاش دارند تا بین "جنگ عادلانه" تمایز قائل شوند و جنگ را بدون کشتار انسان ها دنبال کنند. قضاوت های اخلاقی پیرامون جنگ در دو مقوله مجزا قرار دارند که عبارتند از: دلیل وارد شدن در جنگ و نیز شیوه هدایت جنگ.

#### **فصل چهارم - برخی مفاهیم و شیوه ها جهت مطالعه سیاست بین المللی؛**

مطالعه، تحلیل و برنامه ریزی راهبرد نیاز به یک شناخت اساسی از برخی مفاهیم و شیوه های عمده جهت مطالعه روابط بین الملل دارد. در این فصل، برخی مفاهیم و شیوه های اساسی با هدف در دسترس قرار دادن آنها جهت مرجع آتی در مطالعه راهبرد مورد بررسی قرار می گیرد. حال چرا ملت ها (و دیگر بازیگران عمده در نظام بین المللی) چنین رفتارهایی دارند؟ چگونه مابین رفتار را توضیح می دهیم و از آن توضیحات برای پیش بینی رفتارهای احتمالی آینده استفاده می کنیم؟ خصوصیات معاصر نظام بین المللی چیست و این خصوصیات چگونه بازیگران در آن سیستم را تحت تأثیر قرار می دهد؟ روندهای جاری نظام بین المللی (سیاسی، اقتصادی، نظامی و تکنولوژیکی) چگونه می باشد؟ چگونه این روندها تعاملات بین آن قبیل بازیگران را تحت تأثیر قرار می دهد؟ کاربردهای راهبرد امنیت ملی چگونه می باشد؟ این ها انواع سوالاتی هستند که ما می توانیم آنها را به عنوان تحلیلگران راهبردی مطرح کنیم.

برای پاسخگویی به آن‌ها بایستی با برخی مفاهیم و ابزارهای تحلیل آشنا باشیم. ما کار خود را با بحث بازیگران، علاقه آنها و شیوه‌هایی که آن علائق کمک می‌کنند تا رفتار یک بازیگر تعیین شود، آغاز می‌کنیم.

مفهوم دولت-ملت، یک نقطه آغازین مفیدی است. این عبارت که یک اسم مرکب است، به این امر اشاره دارد که دو مولفه ضروری برای دولت-ملت وجود دارد. کشور عموماً به گروهی از انسان‌ها اطلاق می‌شود که مالک قلمرو یک دولت هستند. دولت بیانگر جنبه‌های فیزیکی و سیاسی یک کشور است.

حاکمیت، اشاره به توان یک کشور برای کنترل مردم خویش و سیاست‌های آن در چارچوب مرزهای زمینی خود دارد. یک دولت تا زمانی حاکم است که بتواند آزادانه و بدون دخالت‌های نیروهای خارجی نظیر دیگر دولت‌ها، بر مردم خود حکومت کند. ملت، اشاره به جنبه انسانی یک کشور است و یا مفهوم ملیت دارد.

براین اساس، افرادی که در محدوده یک کشور زندگی می‌کنند، از یک وجه تمایز مشترک انسانی برخوردار هستند. این وجه تمایز ممکن است در قالب زبان، مذهب یا قومیت دیده شود.

### **فصل پنجم - تداوم اعتبار: منافع تهدیدات و برنامه ریزی جهت بهره‌برداری از قدرت نظامی آمریکا:**

در دانشکده جنگ ارتش آمریکا، منافع ملی به عنوان شرایط مطلوب ارائه شده و نتیجه‌گیری‌های پایانی به اینجا ختم می‌شود که کشورها به طور عقلانی تلاش‌های خود را اولویت بندی می‌کنند.

منافع اساسی به چهار گروه تقسیم می‌شوند که عبارتند از: امنیت فیزیکی، موفقیت اقتصادی، ارتقاء ارزش‌ها و نظم جهانی.

امنیت فیزیکی اشاره به حفاظت در مقابل حمله به خاک و مردم یک دولت-ملت دارد.

این شرایط در بیشتر دوران جنگ سرد بر آمریکا حاکم بود تا بتواند اتحاد شوروی را مهار کند. از نظیر موفقیت (اقتصادی) در همان زمان، ایالات متحده آمریکا یک ابر قدرت اقتصادی در جهان بود که قدرت خود را در بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و حاکمیت دلار در جهان به نمایش گذاشت.

از نظر امریکایی ها، سیاست خارجی بایستی منعکس کننده ارزش هایی باشد که به آنها معتقد است. ارتقاء این ارزش ها در زمان جنگ سرد در قالب جنگ صلیبی ضد کمونیسم مشهود بود.

در تعقیب آخرین طبقه بندی از نظم جهانی بود که رهبران امریکا متوجه شدند چگونه مفهوم اعتبار در جریان جنگ سرد می تواند شدت منافع ملی را تحت تأثیر قرار دهد.

همچنین مسائل روانی مرتبط با جوامع باز و متکثر یا کثرت گرا نیز وجود داشت که تلاش می شد بین منافع حیاتی و دیگر منافع، تفاوت قائل شود.

از نظر تئوری، عامل اعتبار بایستی در جهان پس از جنگ سرد کم رنگ شود. نتایج کار دربرهه انتقالی فعلی حاکی از آنست که دخالت در محیط پیرامونی، غالباً به میزان شدتی که بایستی به نگرانی های انسانی به عنوان منافع ملی اختصاص داد، بستگی دارد.

### فصل ششم - منافع ملی، از انزاع تا راهبرد:

در این فصل، مفهوم امنیت ملی مورد بحث قرار می گیرد و نویسنده تلاش دارد تا نشان دهد که بحث منافع ملی، هنوز کارگشا می باشد.

ریشه واژه "منافع ملی" حداقل به نگرش بدبینانه "ماکیاولی" در قرن ۱۵ بر می گردد.

اما مفهوم امنیت ملی ومعنی واقعی آن تنها پس از گذشت سالیان متمادی از یک حادثه واقعی مشخص می شود.

در اواسط دهه ۱۹۶۰، موضوع ویتنام در نظر اکثر امریکایی ها یک منافع ملی محسوب می شد؛ اما یک دهه بعد از آن کمتر کسی معتقد به این نظریه بود.

کمونیست های پیروز در ویتنام که کشور خود را به فقر کشاندند، هم اینک در صدند تا به اقتصاد سرمایه داری مبتنی بر بازار جهانی بپیوندند.

موضوع "امنیت ملی" غالباً بحث انگیز است؛ زیرا هر یک از طرفین مدعی آن می شوند که حق با آنهاست.

منافع ملی از این نظر که می تواند سیاستگذار را آموزش دهد تا یک سری از سؤالات زیر را مطرح کند سودمند است، سؤالاتی نظیر:

- چگونه تحولات جاری ممکن است در قدرت کشور تاثیر گذار باشد؟
- آیا نیروهای دشمن و متخاصم قادر خواهند بود منافع ملی ما را تهدید کنند؟
- آیا ما قدرت کافی جهت حفاظت از منافع حیاتی خویش را در اختیار داریم؟
- کدامیک از این منافع ما نقش ثانویه دارند؟
- چه میزان از قدرت ما برای استفاده جهت دفاع از آن منافع بکار گرفته خواهد شد؟

واژه منافع ملی بسیار قدیمی است و برخی از متفکرین بر این عقیده اند که این واژه بایستی جایگزین واژه های "منافع جهانی" و یا "نظم جهانی" گردد که فراتر از منافع ملی است.

### فصل هفتم - مطالعات منطقه ای و استراتژی جهانی:

قرن بیستم، برهه ای از درگیری های جهانی بوده است. جنگ های جهانی اول و دوم، مبارزات عمیقی بودند که در صحنه جهان به وقوع پیوستند، و پس از آنها جنگ سرد پدیدار شد که رقابت نظامی بین رقبای ابر قدرت و به تعبیری جنگ سوم جهانی بود. با گذشت زمان، اساس و شالوده مطالعات منطقه ای نیز دستخوش تغییرات شده است.

درک عمیق از مناطق عمده جهان نیاز به آگاهی کامل از ادبیات تخصصی مربوطه، نظارت دقیق و مستمر حوادث، مهارت های مناسب زبانی و اقامت عملی در مناطق جهت درک عمیق واقعیت های منطقه ای به همراه سفرهای متوالی بعدی به مناطق مورد نظر، جهت به روز نمودن آگاهی ها دارد.

متخصصین منطقه ای بایستی مهارت های خویش را اصلاح کنند. چنانچه مطالب مندرج در مقاله فعلی قابل قبول باشد، موضوع پویایی منطقه ای در واقع بخش عمده ای از دستور کار امنیت بین المللی در سال های آینده خواهد بود که در آن سرمایه گذاری حائز اهمیت است.

در نبود یک رقیب جدی، چالش های عمده منافع آمریکا به احتمال زیاد ناشی از انواع بی ثباتی های منطقه ای خواهد بود.

در یک نظام جهانی که به طور فزاینده ای یکپارچه می شود، عوامل جغرافیایی، فرهنگی و محیطی که در چارچوب منطقه ای حائز اهمیت هستند، نقش عمده ای را در شکل دادن اولویت های ملی و واقعیت های بین المللی ایفا می کنند.

### فصل هشتم - قدرت ملی:

مطالعه استراتژی عمدتاً از منظر امنیت ملی با قدرت در ارتباط بوده و این واقعیت را اثبات می کند که دولت- ملت هنوز مهم ترین بازیگر در صحنه بین المللی است. اکثر دانشمندان بر روی قدرت بعنوان یک ابزار، قابلیت و یا ظرفیتی که توان نفوذ در دیگر بازیگران را دارد، تأکید دارند.

در سطح ملی، این نفوذ مبتنی بر روابط دولت- ملت A و بازیگر دیگر (B) است. هدف این فصل این است که نشان دهد به چه دلیل مفهوم قدرت ملی همچنان به عنوان یک عامل اساسی جهت درک و تدوین استراتژی امنیت ملی مورد استفاده قرار می گیرد.

قدرت ملی، از آن نظر که صرفاً از بعد تمامی عناصر قدرت مورد ارزیابی قرار گرفته و فقط در ارتباط با بازیگر و یا بازیگران دیگر و موقعیتی که قدرت اعمال می شود می باشد، یک مقوله ساختاری یا متنی است.

یک کشور ممکن است به واسطه داشتن امکانات بسیار زیاد نظامی به عنوان یک کشور قوی قلمداد شود، اما این قبیل امکانات ممکن است در مواجه با یک دشمن بالقوه، ناکافی باشند و یا متناسب با ماهیت نبرد نباشند.

بجاست تا مطالعه پیرامون قدرت ملی را با تکیه بر عوامل طبیعی و اجتماعی قدرت دنبال کنیم. تعیین کننده های طبیعی (نظیر جغرافیا، منابع و جمعیت) در ارتباط با تعداد افراد یک کشور و محیط فیزیکی آنها می باشد.

تعیین کننده های اجتماعی (نظیر اقتصاد، سیاست، ارتش، امور روانی و اطلاعات)، در ارتباط با شیوه هایی است که براساس آنها مردم یک کشور خود را سازماندهی می کنند و نیز مرتبط با نحوه ای است که محیط خویش را تغییر می دهند.

### فصل نهم - امنیت ملی و فرآیند بین سازمانی: حرکت به سمت قرن ۲۱:

امروزه، ایالات متحده امریکا، ۲۵۰ نمایندگی دیپلماتیکی، در قالب سفارتخانه ها، کنسولگری ها و سازمان های تخصصی ایجاد کرده است. این کشور دارای یک



سیستم یکپارچه فرماندهی نظامی است که تمامی مناطق جهان و حتی فضای خارجی را تحت پوشش قرار داده است. این کشور رهبری یکسری ائتلاف‌ها و توافقنامه‌هایی که منجر به پیشرفت روند صلح، تجارت آزاد، اصول دموکراسی، حقوق بشر و حفاظت از محیط زیست می‌گردند را به عهده دارد.

سرمایه، فناوری و فرهنگ آمریکا در جهان دارای نفوذ است. قدرت و نفوذ آمریکا چند بعدی و عمیق بوده و تمامی ابزارهای قدرت ملی این کشور به کار گرفته شده‌اند. مع الوصف، چالش یکپارچگی راهبرد و به کارگیری ابزارها به طور منسجم و مؤثر هنوز یک چالش می‌باشد. در همین ارتباط رؤسای جمهور آمریکا و عناصر امنیت ملی کشور تلاش دارند تا به این انسجام از طریق استفاده از "فرآیند بین‌سازمانی" دست یابند. فرآیند تصمیم‌گیری بین‌سازمانی آمریکا در بعد قابلیت، مشکل و پیچیدگی آن منحصر به فرد می‌باشد. چالش‌های پیچیده امنیت ملی در قرن ۲۱، نیاز به یکپارچگی اطلاعاتی منابع و وحدت رویه در درون دولت دارد. در سال ۱۹۴۵، دولتمردان آمریکایی با سه چالش روبرو بودند که عبارت بودند از:

- ایجاد یک سیستم امنیت دسته جمعی؛

- رشد استعمار زدایی؛

- ایجاد یک نظم با ثبات مالی بین‌المللی.

عوامل نامبرده شده در بالا و نیز چهار دهه تهدید شدید از ناحیه دیگر ابر قدرت جهان، تأثیر سرنوشت‌سازی در شکل دهی فرآیند بین‌سازمانی آمریکا داشت.

با پایان یافتن درگیری سیاسی و عقیدتی جهان دو قطبی، دستور کار دفاعی و سیاست خارجی تحت تأثیر تجارت آزاد، دموکراتیزه شدن، درگیری‌های مذهبی و قومی، دولت‌های ضعیف، اقدامات انسان‌دوستانه، بدتر شدن اوضاع بومی و محیطی، تروریسم، جنایات سازماندهی شده، قاچاق مواد مخدر و گسترش فناوری سلاح‌های کشتار جمعی قرار گرفت.

### فصل دهم - راهبرد امنیت ملی: مستند نمودن ینش راهبردی:

رئیس جمهور آمریکا، هر ساله گزارش جامع راهبرد امنیت ملی این کشور را به

کنگره تسلیم می‌نماید. گزارش مزبور دربرگیرنده مباحث و موضوعات زیر است:

(۱) منافع، اهداف و مقاصد جهانی ایالات متحده آمریکا که برای امنیت ملی این کشور حیاتی هستند؛

(۲) سیاست خارجی، تعهدات بین‌المللی و قابلیت‌های دفاع ملی آمریکا که مانع تجاوز گردند و امنیت ملی این کشور را اجرا کنند؛

(۳) استفاده‌های پیشنهادی کوتاه مدت و بلندمدت موضوعات سیاسی، اقتصادی، نظامی و دیگر عناصر قدرت ملی آمریکا جهت حفاظت و یا ارتقاء منافع و دستیابی به اهداف و مقاصد اشاره شده در بالا؛

(۴) کافی بودن قابلیت‌های آمریکا جهت تحقق راهبرد امنیت ملی آمریکا، نظیر ارزیابی موازنه بین قابلیت‌های تمامی عناصر قدرت ملی این کشور جهت پشتیبانی از اجرای راهبرد امنیت ملی؛

(۵) دیگر اقداماتی که ممکن است با مطلع نمودن کنگره در زمینه موضوعات مرتبط با راهبرد امنیت ملی آمریکا مفید واقع شوند.

هنر تنظیم راهبرد، ترکیب عناصر متعدد قدرت و مرتبط نمودن آنها در یک هدف مطلوب است که نقطه اصلی یکپارچگی عناصر قدرت می‌باشد. این عقیده، عمدتاً ناشی از تجربه مدیریت بحران است.

در اکثر اوقات، پس از وقوع بحران، این امر به وضوح دیده می‌شود که هماهنگی قبلی و یکپارچگی ابزارهای سیاسی در کشور یا منطقه‌ای که بحران در آنجا به وقوع پیوسته، به اندازه کافی وجود نداشته است. در بیشتر موارد، تنها ابزار موثر جهت مقابله فوری با بحران پیش آمده، ابزار نظامی است.

### **فصل یازدهم - چرا راهبرد دشوار است؟**

هدف از این فصل نشان دادن این امر است که چرا علی‌رغم وجود شیوه‌های فرایند علمی جهت تنظیم و اجرای راهبرد، این پدیده (راهبرد) همچنان به عنوان یک هنر مطرح است، نه یک علم و چرا در درون چنان هنری، فعالیت خلاق ناشی از ترکیب عناصر در معیار راهبردی با گذر زمان دشوارتر شده است.

ایالات متحده آمریکا در عصری واقع شده که در آن چشم انداز راهبردی متحول گردیده و به طور مستمر در حال تغییر است. با این حال، مشکلات اصلی که موجب می‌گردد تا راهبرد برای یک قدرت جهانی تا این حد دشوار شود، شبیه به همان

مشکلاتی است که بر سر راه قدرتهای قبلی که دامنه آنها از (امپراطوری) روم شروع و تا بریتانیای کبیر ادامه داشت، می باشد. هم اکنون چالش های زیادی در سراسر جهان برای آمریکا پدید آمده است.

در یک محیط راهبردی که دائماً در حال تغییر است، در بسیاری از موارد تمایز منافع حیاتی دشوار خواهد بود. علاوه بر این، برجستگان دولتی آمریکا، نظیر رهبران ابرقدرت گذشته، بایستی با تناقضات مربوط به آمادگی جنگ، دست و پنجه نرم کنند. این امر حتی در زمان صلح نیز صدق می کند.

پیچیدگی در تناقضی که موجب می گردد تا راهبرد در هر عصری اینقدر دشوار شود آن است که مبالغه و اغراق در چنان آمادگی هایی، ممکن است موجب تضعیف عناصر اقتصادی، روانی و سیاسی قدرت در بلند مدت شود.

### فصل ۱۲- برنامه ریزی نیروها و خط مشی دفاعی آمریکا:

هدف این فصل، بررسی تکنیک های طراحی نیروهاست که از آنها جهت تعیین ابزارهای مناسب با هدف اجرای موفقیت آمیز راهبرد نظامی و دفاعی آمریکا استفاده می شود و نیز ارائه برخی گزینه ها و اصلاحاتی است که طراحان نیروها می توانند در آینده از آنها بهره برداری نمایند.

برای تکمیل فرآیند تدوین یک راهبرد نظامی منسجم، شاید دشوارترین گام، طراحی نیروهای مورد نیاز جهت اجرای چنان راهبردی باشد.

برنامه ریزی نیروها، دربرگیرنده ارزیابی تهدیدات مربوط به منافع ملی، تأمین نیازمندی های نظامی در چارچوب محدودیت های موجود و نیز ارزیابی ریسک ناتوانی و شکست است.

سپس طراحان و استراتژیست های نیروها، در یک فرآیند تکراری جهت کاهش ناهماهنگی ها قرار می گیرند که این کار یا با توصیف اهداف، تنظیم شیوه ها و یا تغییر ابزارها و با هدف ارتقاء قابلیت و توان جهت حفظ و پیشبرد اهداف ملی صورت می گیرد.

برنامه ریزی نیروها در گذشته و حال، همواره یک فرآیند بسیار پویا بوده است. لذا، با تغییر محیط راهبردی و یا زمانی که قابلیت های نیروهای نظامی خودی و دشمن رشد می یابند، بایستی اصلاحاتی در برنامه دفاعی ایجاد نمود.

### فصل ۱۳- به سمت درک راهبرد نظامی:

راهبرد نظامی چیست؟ در یونان باستان، واژه مزبور بمعنای "هنر ژنرال" بود. در واژه نامه اصطلاحات نظامی مربوط به دانشکده جنگ امریکا، هشت تعریف برای راهبرد نظامی ذکر گردیده است. همین امر گویای وجود مشکلات زیاد در زمینه مطالعه پیرامون این موضوع مهم، اما پیچیده است.

بایستی یک توافق کلی در زمینه تئوری نظری مربوط به راهبرد نظامی وجود داشته باشد؛ یعنی یک تعریف و یک توصیف از عناصر اصلی که راهبرد نظامی را تشکیل می دهند و نیز بایستی یک تحلیل پیرامون چگونگی ارتباط بین آنها صورت گیرد.

به همین منظور، در اینجا تعریف تصویب شده از سوی ریاست ستاد مشترک (ارتش امریکا)، به شرح زیر نقل می شود:

"راهبرد نظامی هنر و علم به کارگیری نیروهای مسلح یک کشور جهت تأمین اهداف خط مشی ملی است که با به کارگیری نیروها و یا از طریق تهدید به زور، نشان داده می شود."

در این ارتباط نبایستی راهبرد نظامی با راهبرد (کلان) ملی اشتباه گرفته شود؛ زیرا تعریف راهبرد (کلان) ملی به شرح زیر است:

"هنر و علم ایجاد و به کارگیری قدرت های سیاسی، اقتصادی و روانی یک کشور به همراه نیروهای مسلح آن کشور در زمان صلح است که بتواند اهداف ملی را تأمین کند."

راهبرد نظامی، بخشی از راهبرد ملی است. مؤلفه نظامی راهبرد ملی، برخی اوقات اشاره به راهبرد نظامی ملی دارد. راهبرد نظامی بایستی راهبرد ملی را پشتیبانی کرده و با خط مشی ملی که یک شیوه عمل گسترده دولت در سطح ملی بوده و در راستای اهداف ملی می باشد، همخوانی داشته باشد. در مقابل، خط مشی ملی تحت تأثیر قابلیت ها و محدودیت های راهبردی نظامی قرار می گیرد.

### فصل ۱۴- ریسک راهبردی:

استراتژیست ها و تئوریسین های راهبردی، در طول تاریخ با مفهوم ریسک و روش شناسی های مربوط به ارزیابی آن درگیر بوده اند. توصیف و تعریف "ریسک"

نسبتاً کار ساده ای است. زمانی که اهداف و ابزارها با یکدیگر هماهنگ نباشند، ریسک پدیدار می گردد. موفقیت هر راهبرد بیش از هر چیزی، بستگی به محاسبه صحیح و هماهنگی مناسب اهداف و ابزار دارد. به هر میزانی که ناهماهنگی بین اهداف، شیوه ها و ابزارها بیشتر باشد، به همان میزان ریسک دست نیافتن به اهداف بیشتر خواهد بود.

از آنجایی که راهبرد یک فرایند پویا می باشد، لذا لازم است این نکته درک شود که تمامی سه عنصر اهداف، مفاهیم و منابع متغیر بوده و با گذشت زمان تغییر خواهند کرد. این تعریف به تمامی جنبه های تدوین راهبرد تعمیم داده می شود؛ اعم از اینکه راهبرد (کلان) امنیت ملی، راهبرد دفاعی، راهبرد نظامی، راهبرد تجاری و یا حتی راهبرد شخصی باشد.

ریشه چالش راهبرد بطور کلی و ارزیابی ریسک به طور اختصاصی، در مشکل اصلی مربوط به ارتباط اهداف، شیوه ها و ابزارهاست؛ روند ارزیابی ریسک دارای ماهیت پویایی است.

### فصل ۱۵ - هنر استراتژیک، اصل جدید برای رهبران قرن ۲۱:

ایجاد تغییرات اساسی در سیستم بین المللی موجب گردیده تا راهبردهای گذشته مجدداً مورد ارزیابی قرار گیرند.

هدف از این مقاله، درخواست از استراتژیست ها جهت هماهنگ نمودن موفقیت ناشی از ایجاد هنر عملیاتی و دکترین مشترک با تئوری جامع هنر راهبردی است.

چنانچه هنر عملیاتی، راهنمای مؤثر برای به کارگیری نیروها قلمداد شود، در این صورت هنر راهبرد نیز به همین مثابه می تواند در هدایت و تنظیم راهبرد امنیت ملی، راهبرد ملی نظامی و نیز راهبرد منطقه جنگی مؤثر واقع شود. به عبارت دیگر، هنر راهبردی بایستی بین قدرت نظامی و دیگر ابزارهای قدرت ارتباط ایجاد کند. همچنین بایستی رهبران رزم و منطقه جنگی را در اجرای مسؤولیت های راهبردی خویش هدایت نماید.

رهبری راهبردی از شاخصه های مؤثر هنر راهبردی است. هدف مقاله حاضر، تأکید بر روی این نکته است که خود تحقیق در زمینه راهبرد حائز اهمیت بوده و بهترین تلاشی است که صورت می گیرد.

وجود تحولات همزمان در امور نظامی، فناوری، اطلاعات و تجدید ساختار نظام بین المللی، موجب برداشته شدن مرزهای سنتی گردیده و سطوح راهبرد، عملیاتی و تاکتیکی جنگ را در یک سطح یکپارچه جهانی ادغام نموده است. این قبیل تغییرات نیاز به یک ثنوری یکپارچه در قبال راهبرد و عملیات دارد، به نحوی که در سطوح عملیاتی، راهبردی و تاکتیکی، جنگ با ابزارهای قدرت در راهبرد امنیت ملی ترکیب گردند.

#### □ نظریه مترجم:

مقالات کتاب راهنمای راهبرد دانشکده جنگ امریکا که توسط نویسندگان متعددی به رشته تحریر درآمده، عمدتاً در زمینه چگونگی برخورد ایالات متحده امریکا با تحولات منطقه ای و جهانی، به ویژه پس از جنگ سرد می باشد.

عموم نویسندگان بر روی منافع ملی امریکا تأکید ویژه ای داشته و در این راه معتقدند که سیاستمداران و فرماندهان نظامی این کشور بایستی با برقراری ارتباطات نزدیک با یکدیگر، در این راستا گام بردارند و برای تحقق این امر، برخی از آنها معتقدند که حضور امریکا در نقاط کلیدی جهان نظیر اروپا، خاورمیانه، آسیا، افریقا، اقیانوسیه، قاره امریکا و روسیه الزامی است.

سبک و سیاق نگارش مقالات به نحوی است که گویا بعد از جنگ سرد، امریکا بایستی قدرت بلامنازع عصر باشد و سیاست یکجانبه گرایی خود را بر جهان اعمال کند.

از آنجایی که شرکت کنندگان و دانشجویان دانشکده جنگ امریکا عموماً از عناصر تأثیرگذار به ویژه در بعد نظامی هستند، لذا به نظر می رسد که تدوین کنندگان مقالات به نوعی تلاش دارند تا سیاست های دولت مرکزی را در قالب این مقالات به افراد یاد شده منتقل نمایند تا آنها در زمان تصدی پست ها و مشاغل کلیدی، خود را موظف به اجرای این سیاست ها کرده و آنها را پیاده کنند.

در مجموع، مطالب مندرج در کتاب موردنظر گرچه می تواند آگاهی خوانندگان در زمینه های مختلف بویژه دفاعی و امنیتی را ارتقاء بخشد؛ اما از طرف دیگر دارای تعصبات و یکسونگری هایی در بعد طرفداری از سیاست های استیلا طلبی و خوی استکباری امریکا در قرن کنونی است.